

## چیست تاریخ؟

فرد چون پیوند ایامش گسست  
قوم روشن از سواد سرگذشت  
سرگذشت او گرازیادش رود  
نسخه‌ی بود ترا ای هوشمند  
ربط ایام است ما را پیرهن  
چیست تاریخ ای ز خود بیگانه‌ئی  
این ترا از خویش آگه کند  
روح را سرمایه تاب است این  
همچو خنجر بر فسانت میزند  
و چه ساز جان‌نگار رود لیدیر  
شعله‌ای افسرده در سوزش نگر  
شانه ادراک او دندانه ریخت  
خود شناس آمد زیاد سرگذشت  
باز اندر نیستی گم میشود  
ربط ایام آمده شیرازه بند  
سوزنش حفظ روایات کهن  
داستانی قصه‌ئی افسانه‌ئی؟  
آشنای کار و مرد ره کند  
جسم ملت را چو اعصاب است این  
باز بر روی جهانت میزند  
نغمه‌های رفته در تارش اسیر  
دوش در آغوش امروزش نگر

شمع او بخت امم را کوکب است

روشن از وی امشب وهم دیشب است

چشم پرکاری که بیند رفته را  
باده صد ساله در مینای او  
صیدگیری کو بدام اندر کشید  
ضبط کن تاریخ را پاینده شو  
دوش را پیوند با امروز کن  
رشته ایام را آور بدست  
سرزند از ماضی تو حال تو  
مشکن از خواهی حیات لا زوال  
پیش تو باز آفریند رفته را  
مستی پارینه در صهبای او  
طایری کز بوستان ما پرید  
از نفسهای رمیده زنده شو  
زندگی را مرغ دست آموز کن  
ورنه گردی روزگور و شب پرست  
خیزد از حال تو استقبال تو  
رشته ماضی ز استقبال و حال

موج ادراک تسلسل زندگی است

می کشان را شور غلغل زندگی است



[www.ZamaniFamily.org](http://www.ZamaniFamily.org)  
[www.ZamaniFamily.com](http://www.ZamaniFamily.com)



[Info@zamaniFamily.org](mailto:Info@zamaniFamily.org)



[You Tube Channel](#)